

درباره اسید پاشی ها زنجیره ای و گسترش خشونت علیه زنان

گفتگوی سیروس ملکوتی با مهرداد درویش پور

[این گفتگو را مشاهده کنید](#)

درباره چگونگی رویارویی با خشونت علیه زنان

برای رویارویی با خشونت علیه زنان باید الگوهای مردانگی را تغییر داد

گفتگوی رادیو سوئد با مهرداد درویش پور

روز جمعه شبکه ۴ رادیو سوئد (سورملند) گزارشی را درباره پیشنهادات گوناگون برای رویارویی موثرتر با خشونت علیه زنان و برنامه عمل یکی از کمون های سوئد منتشر کرد که در آن به گفتگو با مهرداد درویش پور جامعه شناس و استاد دانشگاه در ملاردالن پرداخته است. آنچه در ادامه می آید ترجمه این مصاحبه به فارسی است.

درویش پور: پیشگیری از خشونت علیه زنان باید از مدارس آغاز شود

برای رویارویی با خشونت علیه زنان باید برنامه عمل شدیدتر و بر تغییر الگوهای مردانگی تاکید شود. این نتیجه یک بررسی است که مدرسه عالی ملاردالن، خانه های امن زنان و انجمن شهرسازی کمون در ارزیابی های انتقادی خود از طرح پیشنهادی کمون اسکیلستونا به آن رسیده اند.

هفته آینده کمون اسکیلستونا در سوئد برنامه عمل خود برای رویارویی با خشونت علیه زنان را برای سیاستمداران معرفی خواهد

کرد. پیشتر ما به انتقادات خانه های امن زنان از این طرح اشاره کردیم. اکنون مدرسه عالی ملاردالن و انجمن شهرسازی خود کمون نیز به کمبودهای این طرح اشاره می کنند.

مهرداد درویش پور، استاد دانشگاه در ملاردالن خواستار آن است تمرکز بیشتر و روشن تری در مورد نقش مردان و پسران صورت گیرد. درویش پور می گوید "در پایه و اساس این مردان هستند که به خشونت روی می آورند و طرز تلقی و رفتار آنان می بایست تغییر کند. برنامه عمل برای اقدامات پیش گیرانه از جمله باید بر تغییر برداشت از مردانگی استوار شود. توانایی مردان در زد و خورد و قدرت نمایی از طریق خشونت فیزیکی بخشی از رل مردانگی است که باید با آن مبارزه کرد". بررسی اداره اجتماعی جوانان در سال گذشته نشان می دهد پسرانی که برداشت های کلیشه ای از رل سنتی جنسیتی دارند، سه برابر بیشتر به خشونت روی می آورند. به نظر درویش پور "مبارزه برای تغییر رل های جنسیتی باید از پیش از مدارس آغاز شود. به گونه ای که پسران دریابند آلترناتیوهای دیگری در برابر تصاویر قدیمی از مردانگی های نیز وجود دارند. این که باید تا حدودی پر سر و صدا و اهل جنگ و دعوا بود، بخشی از تصویر سازی از رل مردانه است که باید تغییر کند".

سیسیلیا بودسترم، کارشناس برنامه ریزی کمون اگرچه موافق است که باید برداشت از رل مردانگی در نزد جوانان تغییر کند، اما تاکید می کند که آنها قصد ندارند گامهای اجباری برای تحقق این ایده در برنامه عمل بگنجانند. به نظر او ادارات گوناگون باید خود برنامه عملشان را با توجه به حوزه عمل و توانایی هایشان با جزئیات بیشتر و به گونه ای مشخص تر تدوین کنند.

اما خانه های امن زنان (موا) و انجمن اداره شهرسازی خود کمون نیز نسبت به این برنامه عمل با دیدی انتقادی نگریسته و بر این باورند که باید تمرکز بیشتر و روشنی درباره تغییر طرز تلقی و رفتارها صورت گیرد. انجمن اداره شهرسازی با رجوع به سازمان جهانی بهداشت اشاره می کند که آن سازمان نیز بر برنامه های مدارس در جهت تغییر الگوهای جنسیتی و موثر بودن آن در مبارزه با خشونت تاکید داشته و این طرح نیز باید برنامه مشابهی را در این راستا مورد نظر قرار دهد. کمون اسکیلستونا پیشتر برنامه "ماچو فابریک" (مردانگی اقتدارگرا) را برای تغییر الگوهای مردانگی نزد جوانان درپیش گرفته بود.

درویش پور و برخی دیگر از کارشناسان بر انتزاعی بودن این برنامه عمل کمون در مبارزه علیه خشونت تاکید کرده اند و برآنند که کلی بودن آن مانع از امکان بررسی و پیگیری درجه حمایت از زنانی که مورد خشونت قرار گرفته اند، می شود. درویش پور هشدار می دهد بدون یک برنامه مشخص این خطر وجود دارد که کل این طرح به سندی زیبا روی کاغذ بدل شود بدون آن که مسئولان بدانند هنگام عمل چگونه از آن باید استفاده کرد. او می افزاید هرچه پیشنهادات روشن تر و مشخص تر باشند، از کارایی بیشتری برای مسئولان هنگام استفاده از آن برخوردار خواهند بود.

اما سیسیلیا بوستروم می گوید دستیابی به معیار و منابعی برای اندازه گیری درجه دستیابی به اهداف و میزان حمایت از زنان مورد خشونت گرفته دشوار است، با این همه باید به تمام انتقادات توجه کرد تا راه های موثرتری اتخاذ شود.

درویش پور اما خود پیشنهاد مشخصی را برای گنجاندن در برنامه عمل مطرح می کند. اومی گوید "می بایست تبصره روشنی با این مضمون در برنامه عمل گنجانده شود: مسئولان و کارمندان ادارات مربوطه باید موظف شوند در صورت کوچکترین شکمی مبنی بر اعمال خشونت علیه زنان، فعالانه واکنش نشان دهند".

با وجود این انتقادات، برنامه عمل کمون به عنوان الگویی بلندپروازانه و قابل استفاده برای دیگر کمون ها ، مورد توجه توسط برخی نهادهای دیگر نیز قرار گرفته است.

گزارشگر

Petra Levinson

درباره وضعیت روابط جنسی در ایران

میزگرد برنامه افق صدای آمریکا با مهرداد درویش پور، حسن یوسفی اشکوری و آذیتا ساعیان

همجنس گرایی و چالش های پیش روی محافظه کاران

گفتگوی تلویزیون رها با مهرداد درویش پور

با شکل گرفتن جنبشهای مدافع حقوق همجنسگرایان در دهه ۶۰ میلادی، روند آشکارسازی گرایش جنسی نیز رو به رشد نهاد. این روند در نهایت به اجتماعی شدن همجنسگرایی و خلق چالشی اساسی در مقابل باورهای سنتی و محافظه کارانه انجامیده است.

[این گفتگو را بشنوید](#)

ایران بزرگترین زندان جهان برای روزنامه نگاران زن

گفتگو با مهرداد درویش پور

گزارشگران بدون مرز با صدور بیانیه ای نگرانی خود را از موج احضار و بازداشت روزنامه نگاران و وبنگاران در ایران خصوصاً فعالان رسانه ای زن اعلام کرده است

[گفتگو با مهرداد درویش پور](#)

گزارشی از کنفرانس درباره نادیده گرفتن زنان مهاجر در بازار کار در فوروم فمینیستی در استکهلم

زهرا باقری شاد

روز شنبه ۱۰ می در شهر استکهلم "فوروم فمینیستی" نهمین برنامه سالانه خود را با حضور صدها بازدید کننده و کنفرانس های گوناگون طی یک روز برگزار کرد. کنفرانس هایی که هریک به جنبه هایی از مسئله زنان و جنبش فمینیستی پرداختند. یکی از این کنفرانس ها به بررسی چگونگی نادیده گرفتن زنان مهاجر در بازار کار سوئد اختصاص داشت.



در این کنفرانس مهرداد درویش پور استاد دانشگاه و پژوهشگر زنان و مهاجرت، امینه کاکاوا به نماینده پارلمانی حزب چپ و از برگزارکنندگان کنفرانس، Wuokko Knock پژوهشگر با سابقه زنان مهاجر در بازار کار و Gertrud Åström از گروه لابیگری زنان در این باره سخن گفتند.

پس از خوش آمد گویی آمینه کاکاوا به از برگزارکنندگان این کنفرانس، نخست مجری برنامه خانم Ann-Margarethe Livh نماینده حزب چپ در اپوزیسیون شورای شهر اشاره کرد که پژوهش ها نشان می دهند زنان مهاجر تبار با کار در طاقت فرساترین مشاغل و دریافت کمترین دستمزدها، نقش مهمی در ساختن نظام رفاهی سوئد دارند، بی آنکه توانمندی ها و خلاقیت های آنان به رسمیت شناخته شود. برای پدیدار سازی زنان مهاجر در بازار کار چه می توان کرد؟ این جلسه با حضور کارشناسان و دست اندرکاران به بررسی وضعیت زنان مهاجر در بازار کار سوئد و چگونگی برجسته ساختن موقعیت آنان در بازار کار با

حضور پژوهشگران دانشگاهی، سیاست مدران و فعالان حقوق زن به بررسی ساختاری و روزمره این مسئله در سطح کشوری و در مناطق و کمون ها می پردازد.

سپس مهرداد درویش پور با ارائه آمار توضیح داد که "زنان مهاجر تبار در دهه پنجاه و شصت میلادی ۲۰ درصد و در دهه هفتاد ۱۰ درصد بیشتر از متولدین در سوئد در بازار کار اشتغال داشتند. اما در دهه ۹۰ میزان مشارکت زنان متولد خارج از سوئد در بازار کار در حدود ۶۰ درصد بوده در حالی که در همان دوره بیش از ۸۰ درصد از زنان متولد سوئد در بازار کار حضور داشته اند. در دو دهه اخیر نیز همچنان شکاف ۲۰ درصدی بین میزان اشتغال زنان مهاجر تبار با زنان سوئدی تبار باقی است. البته این شکاف در مقایسه با میزان اشتغال مردان به مراتب بیشتر است".

درویش پور به سه دسته عوامل در توضیح این تغییرات و افزایش شکاف ها اشاره کرد: "۱. تغییر ترکیب جمعیتی مهاجرین که در دهه های گذشته بیشتر از نیروی کار مهاجر تشکیل می شدند، اما در دهه های بعدی به گروه هایی که به دلیل پناهندگی و پیوندهای خانوادگی مهاجرت کرده اند، بدل شده اند. ۲. بحران اقتصادی دهه ۹۰ که از جمله با کاهش دولت رفاه، به گسترش بیکاری در زنان و "فمینیزه" کردن هر چه بیشتر فقر به ویژه در میان زنان مهاجر انجامید. ۳ افزایش تبعیض علیه مهاجران به ویژه در مورد زنانی که از کشورهای اسلامی مهاجرت کرده اند و امکان اشتغال آنها در بسیاری از رشته ها را با تبعیض برپایه نام، ظاهر و یا پوششان با دشواری روبرو ساخت".

به گفته او پژوهش ها نشان می دهند، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر واکنش منفی علیه این گروه از مهاجران افزایش یافته، امری که گسترش تبعیض علیه آنان را در بر داشته است. درویش پور اشاره کرد که یکی از رایج ترین تحلیل ها درباره علت اشتغال کمتر در بین مهاجر تباران به طور کلی و زنان مهاجر تبار به صورت خاص، اشاره به "تفاوت فرهنگی" است. یعنی هر چه تفاوت فرهنگی بیشتر باشد، و یا مهاجران کمتر از توانایی و صلاحیت فرهنگی برخوردار باشند، کمتر مایل یا قادر به اشتغال در جامعه هستند. با این همه این نگاه در دره های اخیر به شدت به زیر سوال رفته و پرسش اینجا است که چه کسی معیار صلاحیت و توانایی فرهنگی را تعیین می کند و آیا این جنبه ارزش مدارانه و جانبدارانه ندارد؟

او تاکید کرد باید به نگاه به زنان مهاجر تبار همچون قربانی منفعل پایان بخشید و به آنان همچون فاعلان اجتماعی نگریست. واقعیت این است که سطح تحصیلات عالی‌تر زنان متولد خارج از سوئد با متولد شدگان در سوئد حدود ۳۰ درصد و برابر است. اما با آنکه زنان مهاجر سوئد از تحصیل کرده‌ترین گروه‌های مهاجر در کل اروپا هستند، شکاف بین میزان اشتغال آنها با سوئدی‌تبارها از همه اروپا بیشتر است. پرسش این جا است این شکاف را چگونه می‌توان توضیح داد؟ دروبش پور همچنین به ستم سه‌گانه طبقاتی، جنسیتی و نژادی در آسیب پذیر کردن گروه کثیری از زنان مهاجر تبار اشاره کرد.

این پژوهشگر در دور دوم گفتگو و در بخش راه حل‌ها گفت: " بدترین راه حل، سرشکن کردن موانع ساختاری رشد زنان مهاجر به حاشیه رانده بر سر کسانی است که خود از رنج می‌برند و آنان را مسئول موقعیت خویش قمداد کردن است. به جای آن، پایان بخشیدن به تعریف زنان مهاجر با نگاهی از بالا به پائین و پیش‌داورانه که آنها را گروهی یکپارچه و یکسره "مشکل و مسئله دار" فرض می‌کند، پایان بخشیدن به دگر سازی از مهاجر تباران، گذار از سیاست مبتنی بر عدم تبعیض که ناکارا بوده است به سیاست فعال ضد تبعیض و پر هزینه ساختن تبعیض، کاهش فاصله طبقاتی و تقویت منابع قدرت آنها از مهمترین سیاست‌هایی است که می‌تواند شرایط کنونی را تغییر داده و موقعیت زنان مهاجر تبار به حاشیه رانده شده را در جامعه تقویت سازد".

Wuokko Knock سخنران بعدی تاکید کرد سال‌ها است که به عنوان یک پژوهشگر قدیمی از نخستین کسانی بوده است که طی چندین دهه بر دیدگاه جنسیتی در بررسی مهاجران اشاره کرده و با یکدندگی بر آن پافشاری کرده است و سعی کرده نشان دهد زنان مهاجری که با سخت‌کوشی، دستمزد پائین و اشتغال در مشاغل طاقت فرسا و رده‌های پائین اجتماعی در برپایی دولت رفاه نقش کلیدی داشته‌اند، کمتر شنیده و یا دیده می‌شوند و تحت ستم چندگانه هستند. او بر نقش و اهمیت این گروه تاکید کرد و نادیده گرفتن و یا کم‌قدر دانستن نقش آنان را مورد انتقاد قرار داد و اضافه کرد مفاهیمی همچون "زن مهاجر" و یا "زن مسلمان" وجود خارجی ندارد و این کلیشه سازی‌ها بیشتر به قصد تصویرسازی از "آن دیگری" و فاصله گذاری بین "ما" و "آنها" صورت می‌گیرد که به بخشی از ساختار جامعه بدل شده است. در بخش راه حل‌ها او نیز اشاره کرد مجازات تبعیض باید آنچنان گران شود که کارفرمایان جرات تبعیض نیابند. درضمن باید به ارائه تصویری فراگیر، پیش‌داورانه و کلیشه‌ای از "زنان مهاجر" و "زن مسلمان"

پایان بخشید و توانمندی های آنان را برجسته ساخت.

Gertrud Åström نیز از گروه لابی زنان اشاره کرد در یکی از حاشیه نشین ترین مناطق استکهلم کارمی کند و دائما با این ادعا روبرو است که بسیاری از زنان خارجی تبار مایل به کار نبوده و خانه داری و نگهداری از فرزندانشان را ترجیح می دهند. سپس آنان به یک بررسی از زنان همان منطقه پرداخته و پرسیده اند مایل به اشتغال هستید یا نه. پاسخ اکثریت مثبت بوده است و اشاره کرده اند بیکاری آنان یک انتخاب نبوده، بلکه با فرصت های شغلی روبرو نبوده اند. او همچنین اضافه کرد بیمه والدین و پرداخت مزد در نخسین سال نگهداری از کودک باید فردی شود. گرچه همچنان به دلیل ساختار پدرسالار این بیشتر زنان خواهند بود که از این حق استفاده خواهند کرد، اما امکان تقسیم برابر این مسئولیت را افزایش می دهد. او به ضرورت تجدید نظر در سیاست کمون ها در بهبود آموزش زبان سوئدی و ایجاد شرایط مساعد برای حضور فعال تر در بیرون از خانه برای آن دسته از زنان مهاجری که در مناطق حاشیه ای به سر میبرند، تاکید کرد.

امینه کاکاوا به نماینده پارلمانی حزب چپ و از برگزارکنندگان جلسه که در مناطق حاشیه نشین استکهلم نیز به کار مشغول بوده است، اشاره کرد سرنوشت خود او به عنوان نمونه ای از زنان مهاجر تباری که در صورت برخورداری از فرصت ها می توانند تغییر بیافرینند، قابل درنگ است. در حالی که هنگام ورود به سوئد از تحصیلات چندانی برخوردار نبوده است، در سوئد توانسته فارغ التحصیل رشته مددکاری اجتماعی شود و اکنون نماینده پارلمانی حزب چپ است. او اشاره کرد نباید توانمندی این گروه از زنان را دست کم گرفت. او خواهان پایان بخشیدن سیاست های مالیاتی و تجدید نظر در سیاست های کمک هزینه هایی شد که استثمار زنان تهیدست خارجی تبار را افزایش می دهند و یا به خانه نشینی بیشتر آنان منجر می شود. کاکاوا به همچنان اشاره کرد باید تصویر از بهم پیوستگی را تغییر داد. او به یکی از مناطق حاشیه نشین استکهلم اشاره کرد که در آن افراد با زبان های گوناگون در آن به سر می برند و در یکدیگر ادغام شده اند! مبنای بهم پیوستگی نه الزاما سخن گفتن به زبان واحد بلکه افزایش مشارکت اجتماعی است. او تاکید کرد تغییر سیاست گذاری بخشی از تغییرات ساختاری است که با توجه به نزدیک بودن انتخابات می توان با حضور گسترده و رای به سیاست عدالت خواهانه و ضد تبعیض به آن پرداخت. در

کلیپ کوتاه زیر گوشه ای از این کنفرانس را می توان دید.

<https://www.youtube.com/watch?v=DRYVWPvhVbg&feature=youtu.be>